

# صبح امید

📺 خواننده: حامد زمانی 📺

🌐 کیفیت کامل فیلم را مشاهده نمائید. لینک:

<https://archive.org/details/YoSoFeFATeMe.126> 🌐

📺 انتشار: رسانه یوسف فاطمه 📺

🎬 سازنده: محمد علی شرطان 🎬

📺 کیفیت: ۱۹۸۰-۱۰۸۰ HD 📺

📅 تاریخ: ۱۳۹۹/۰۷/۲۴ 📅

🕒 زمان: ۰۴:۵۷ TM 🕒

📺 حجم: ۴۶ MG 📺

📺 فرمت: MP4 📺

💡 نوع: موسیقی کلاسیک 💡

🔄 بازنشر: واجب 🔄

موضوعات: مهدویت-ظهور-منجی-پیامبر آخرالزمان

اشتراک‌گذاری این مطلب برای تمام دوستان‌تان واجب است

برای مشاهده مطالب بیشتر به صفحه رسمی YoSoFeFaTeMe@  
به‌روید

تمام اطلاعات از سمت رسانه یوسف‌فاطمه در قانون کپی‌رایت محفوظ  
است

عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب  
علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه  
مشاهده نمایید



## روایات اسلامی درباره موضوع منجی آخرالزمان ▼

**❶- سنن ابن ماجة با سندش به نقل از ابو امامهٔ باهلی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برایمان سخنرانی کرد و بیشتر سخنرانی‌اش، حدیثی در بارهٔ دجال بود که ما را از آن بیم داد و از جملهٔ سخنان‌ش این بود: «از هنگامی که خداوند، نسل آدم را آفریده است، فتنه‌ای در زمین، بزرگ‌تر از فتنهٔ دجال نبوده است، و خداوند، پیامبری را برنگیخته، جز آن‌که وی امتش را از دجال بیم داده است. من، آخرین پیامبر و شما، آخرین امت‌ها هستید و او بی‌تردید، میان شما پدیدار خواهد شد... دجال از راه تپه‌های سرخ رنگ کنار مدینه، آن‌جا که شوره‌زار تمام می‌شود، به مدینه وارد می‌شود و مدینه سه بار اهلش را می‌لرزاند و مرد و زن منافقی باقی نمی‌ماند جز آن‌که به سویش بیرون می‌آید و زمین لرزه، آلودگی‌های مدینه را از آن می‌زداید، آن‌گونه که کورهٔ آهنگری، آلودگی آهن را می‌زداید و آن روز، روز رهایی نامیده می‌شود».**

امّ شریک، دختر ابوَعَکَر گفت: ای پیامبر خدا! پس عرب‌ها در آن روز کجایند؟ فرمود: «آنها در آن زمان، اندک‌اند، و بیشترشان در بیت المقدّس‌اند و امامشان مردی صالح است و هنگامی که جلو می‌رود تا نماز صبح را با آنان بخواند، عیسی بن مریم، بامدادان بر آنها فرود می‌آید و آن امام جماعت باز می‌ایستد و پا پس می‌نهد و عقب عقب بر می‌گردد تا عیسی جلو برود و با مردم نماز بگذارد

ولی عیسی دستش را میان شانه‌های او می‌نهد و به او می‌گوید: "جلو بایست و نماز بخوان که به قصد امامت جماعت تو، نماز برپا شده است" و امام‌شان با آن‌ها نماز می‌خواند و پس از آن، عیسی می‌گوید: "دروازه را بگشایید" و دروازه گشوده می‌شود و پشت آن، دجال با هفتاد هزار یهودی است که همگی شمشیرهای جواهرن‌شان و ردای سبز بر تن دارند، و چون دجال به عیسی می‌نگرد، ذوب می‌شود به سان نمک که در آب حل می‌شود و پا به فرار می‌نهد. در آن هنگام عیسی می‌گوید: "به تو ضربه‌ای خواهم زد که هرگز نتوانی از آن بگریزی" و کنار دروازه شرقی لد به او می‌رسد و وی را می‌کشد و خداوند، یهود را در هم می‌شکند و چیزی از آفریدگان خداوند نیست که یهودی‌ای خود را پشت آن پنهان کند، جز آن‌که خداوند، آن را به سخن در می‌آورد و می‌گوید: "ای بنده مسلمان خدا! این، یهودی است. بیا و او را بکش" و این، حال همه سنگ‌ها، درخت‌ها، دیوارها و جنبندگان است جز گیاه دیو‌خار که از درختان یهود است و به سخن در نمی‌آید». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «روزگار [فرمان روایی دجال] او، چهل سال است و هر سالش، گویی نیم سال و هر سالش مانند یک ماه و یک ماه مانند یک هفته است و روزهای پایانی‌اش مانند شراره‌های آتش، کوتاه و زودگذرند. یکی از شما صبح بر دروازه مدینه است و هنوز به دروازه دیگر نرسیده، شب می‌شود». به ایشان گفته شد: ای پیامبر خدا! در آن روزهای کوتاه، چگونه نماز بخوانیم؟ فرمود: «وقتهای نماز را بسنجید، همان گونه که در این روزهای دراز می‌سنجید و سپس نماز بگزارید». ♦



و در حالی که گروهی از مسلمانان با پیشوایشان آنجا آمدند و مؤذن پس از اذان نماز صبح، همهٔ مردم را می‌شنود و ناگهان عیسی بن مریم فرود می‌آید و مردم به او خوشامد می‌گویند و از فرود آمدنش و راستی و درستی حدیث پیامبر خدا، خوش حال می‌شوند. سپس عیسی علیه السلام به مؤذن می‌گوید: اقامهٔ نماز را بگو و مردم به او می‌گویند: برایمان نماز بگذار و او می‌گوید: "به سوی همان امام‌تان بروید تا ایشان برای شما نماز بگذارند، که او خوب امامی است!" و امام‌شان با آن‌ها نماز می‌خواند و عیسی هم با آنان نماز می‌گزارد و آن‌گاه که امام، نماز را به پایان می‌برد، عیسی [با او بیعت کرده و] به اطاعت او در می‌آید و با مردم حرکت می‌کند و چون دجال او را می‌بیند، مانند قیر، آب می‌شود و عیسی به سوی او می‌رود و او را با اذن الهی می‌کشد و نیز هر کس را که همراه اوست و خدا بخواهد. سپس همراهان دجال، پراکنده و زیر هر درخت و سنگی که پنهان می‌شوند، درخت می‌گویند: "ای بندهٔ مسلمان خدا! بیا و این یهودی را که پشت من است، بکش" و سنگ نیز مانند آن، سربازان مسلمان را فرا می‌خواند، بجز درخت دیو‌خار که درخت یهود است و هیچ‌کس را برای سربازان، افشا نمی‌کند». سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «این را به شما می‌گویم تا آن را دریابید و بفهمید و نگاه دارید و مطابق آن، عمل کنید و به آنان که پس از شما هستند، بگویید و نسل به نسل، آن را باز گویند و فتنهٔ دجال، سخت‌ترین فتنه است، و پس از این ماجراها، آن اندازه که خدای متعال می‌خواهد، با عیسی بن مریم زندگی خواهید کرد» ♦

❖ ۴- اصبغ بن نباته نقل می‌کند: شنیدم ابن عباس می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: ذکر خداوند عزّ و جلّ عبادت است و ذکر من عبادت است و ذکر علی علیه السلام عبادت است و ذکر امامان از نسل وی - که سلام و درود خدا بر همه آنان باد - عبادت است. قسم به آن کسی که مرا به پیامبری مبعوث کرد و برترین انسان‌ها قرار داد، وصیّ و جانشین من، برترین اوصیاست و او حجت خداوند بر بندگانش و خلیفه و جانشین او بر خلقش است، و ائمه هدایت کننده بعد از من، از نسل اویند. به خاطر آن‌هاست که خداوند مردم را عذاب نمی‌دهد، و به خاطر آن‌هاست که خداوند (اجرام) آسمان را، به خواست او، نگاه می‌دارد که بر زمین نیفتد، و به خاطر آن‌هاست که کوه‌ها را نگاه داشته، تا آن‌ها را نجنباند، و به خاطر آن‌هاست که باران را بر خلقش نازل می‌کند، و به خاطر آن‌هاست که گیاهان و نباتات را می‌رویاند. آن‌ها اولیای بر حق خدا و جانشینان راستین اویند. تعداد آن‌ها به تعداد ماه‌های سال است که دوازده ماه است، (و به عبارت دیگر) تعداد آن‌ها به تعداد نقیبان موسی بن عمران علیه السلام است. سپس این آیه را تلاوت نمود: «وَالسَّمَاءُ ذَاتِ الْبُرُوجِ». سپس فرمود: ای ابن عباس! آیا تصور می‌کنی که وقتی خداوند به آسمان دارای افلاک سوگند یاد می‌کند، منظورش واقعاً آسمان و صورت‌های فلکی آن است؟ عرض کردم: ای رسول خدا! پس منظور چیست؟ فرمود: منظور از آسمان، من هستم، و صورت‌های فلکی ائمه بعد از من هستند که اولین آن‌ها علی علیه السلام، و آخرین آن‌ها مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است ❖

**❁-۵- عمر بن خطاب روایت نمود که:** روزی به همراه مردانی از عبد قیس به دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتیم. چون ایشان پیامبر را دیدند چهره زیبا و برخورد خوشش آنان را بسیار مجذوب کرد و از سخن گفتن درماندند. پس پای پیش گذاشتم و در محضر او ایستادم و گفتم: سلام بر شما ای رسول خدا. پدر و مادرم به فدای تو. پس شروع به سخن گفتن کردم، و اشعاری را ذکر نمود که در مدح ایشان صلی الله علیه و آله خواند. سپس گفت: نزد ایشان مردی بود که او را نمی‌شناختم. پرسیدم ایشان کیست؟ گفتند: او سلمان فارسی صاحب برهان عظیم و منزلت بسیار است. سلمان به من گفت: ای مرد عبد قیسی چگونه رسول خدا را بی آنکه پیش از این نزد او آمده باشی شناخته‌ای؟ من به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتم که چهره‌اش پر از نور و سرور بود. سپس گفتم: ای رسول خدا قسّ منتظر آن بود که تو بیایی. وی دائماً نام تو را بر زبان می‌آورد و نام پدر و مادر تو و نام‌های دیگر را می‌آورد که اکنون آنان را در میان یاران نمی‌بینم. سلمان گفت: ما را خبر بده، و من شروع به سخن گفتن برای آنان کردم در حالی که رسول خدا و همه مردم با دقّت به سخنانم گوش فرا می‌دادند و گفتم: ای رسول خدا، من قسّ را دیدم که از محفل بزرگ ایاد خارج شده بود و حمایل شمشیری به تن داشت و در روشنائی شبی که چون خورشید می‌درخشید، چهره و انگشت خود را به طرف آسمان بالا برد.



من به او نزدیک شدم و شنیدم که می‌گفت: پروردگارا، ای خدای هفت آسمان بلند و زمین‌های سرسبز، به حق محمد و سه محمد همراه وی و چهار علی و دو فرزند وی و بلند مرتبگان و آن نهر درخشان و به حق همنام کلیم و به حق نقیبان و شفیعان و راه‌های وسیع و مدرسان انجیل و حافظان تنزیل که به تعداد نقیبان بنی اسرائیل‌اند و پاک‌کننده گمراهی‌ها و از بین‌برنده باطل‌ها هستند و روز قیامت با آنان برپا می‌شود و به واسطه آنان شفاعت درک می‌گردد؛ آنان که خداوند اطاعت‌شان را واجب کرده است، بر ما بارانی نجات بخش بفرست. خداوند! کاش می‌توانستم حتی بعد از مدتی تأخیر در عمر و زندگی آنان را درک نمایم. سپس گفتم ای رسول خدا، خداوند ترا خبر نیکو دهد، مرا از این نام‌ها خبر ده که ما آنان را ندیده‌ایم و قسّ آنان را گواه گرفت. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: ای جارود، در شب معراج به آسمان، خداوند عز و جل به من وحی کرد که **وَاسْأَلْ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا [و از رسولان ما که پیش از تو گسیل داشتیم جویا شو]** که برای چه برانگیخته شده‌اند. پس به آنان گفتم: برای چه برانگیخته شده‌اید؟ گفتند: برای نبوّت تو و ولایت علی بن ابی طالب و ائمه از فرزندان شما. سپس به من وحی شد که به سمت راست عرش نگاه کن. چون نگاه کردم، علی و حسن و حسین و علی بن حسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و مهدی را در نوری درخشان دیدم که مشغول نماز خواندن بودند و خداوند تعالی به من فرمود: این حجت‌ها اولیای من هستند و این انتقام گیرنده از دشمنان من است. جارود گفت، سلمان به من گفت ای جارود، این‌ها همان‌هایی هستند که در تورات و انجیل و زبور نام آن‌ها ذکر شده است...

و در نقلی دیگر: ای محمّد، اگر بنده‌ای از بندگان من آن‌قدر مرا عبادت کند که از پا درآید، یا چون پوست خشکیده کهنه شود اما چون نزد من آید منکر ولایت شما باشد، تا به ولایت شما اقرار نکند، او را نخواهم آمرزید؛ ای محمّد، دوست داری آن‌ها را ببینی؟ عرض کردم: آری پروردگارا! پس به من فرمود: نگاهی به سمت راست عرش بینداز؛ چون نظر کردم، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی بن حسین، محمّد بن علی، جعفر بن محمّد، موسی بن جعفر، علی بن موسی، محمّد بن علی، علی بن محمّد، حسن بن علی و مهدی علیهم السّلام را در هاله‌ای از نور دیدم که به پا ایستاده و مشغول نماز هستند و او (مهدی) نیز در وسط ایشان همچون کوكبی درّی می‌درخشید. پس خداوند فرمود: ای محمّد، اینان حجّتند و او خون‌خواه از جانب عترت تو. به عزّت و جلال خودم سوگند که او حجّت واجب من بر اولیای من است و انتقام گیرنده از دشمنانم... و در سخنی دیگر: ای محمد به راستی که تو و علی را و فاطمه و حسن و حسین را و ائمه علیهم السّلام را که از نسل اویند از اصل نور خود آفریدم و ولایت شما را بر اهل آسمان‌ها و زمین‌ها عرضه داشتم و هر آن‌کس که آن را بپذیرد، نزد من از مؤمنین می‌باشد؛ و هر آن‌کس که آن را انکار کند، از کافرین می‌باشد. ای محمد! اگر بنده‌ای از بندگانم مرا عبادت کند تا جایی که به مانند مَشْکِ کهنه شود، سپس نزد من بیاید در حالی که منکر ولایت شماست، تا زمانی که به ولایت شما اقرار نکند، او را نخواهم بخشید. ای محمد، دوست داری که آنان را ببینی؟ گفتم: آری.

به من فرمود: به سمت راست عرش نگاه کن. من هم رو به آن سو کردم و دیدم علی را و فاطمه و حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و الحسن بن علی و المهدی علیهم السلام را که در دریایی از نور ایستاده‌اند و نماز می‌خوانند و او در میان‌شان است، یعنی مهدی، گویی ستاره‌ای است مرواریدوار. خداوند فرمود: ای محمد! اینان حجت‌های من هستند و او قیام کننده‌ای است از خاندان تو، به عزت و شکوهم سوگند، او حجت واجب برای دوستانم و انتقام گیرنده از دشمنان من است. ♦

❦-۶- حضرت صادق در خطاب به مفضل: به خدا قسم مردگان در زمان ظهور دوباره برگشت داده می‌شوند و در پیشگاه سید اکبر محمد رسول الله صلی الله علیه و آله و صدیق اکبر، امیرالمؤمنین علیه السلام و فاطمه علیها السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام و ائمه علیهم السلام و تمام مؤمنین خالص و کافران خالص حاضر می‌شوند و به خاطر تمام آن ظلم‌هایی که روا داشتند، قصاص می‌شوند و در هر روز و شب هزار بار کشته می‌شوند و تا هر وقت خدا بخواهد برگشت داده می‌شوند. سپس مهدی علیه السلام به سوی کوفه می‌رود و در بین کوفه و نجف منزل می‌گزیند و اصحابش در آن روز، ۴۶ هزار تن از ملائکه و ۴۶ هزار جن و ۴۶ هزار تن از خواص آن حضرت می‌باشند.

سپس حضرت ماجرای خرابه زُوراء و نازل شدن لعنت بر اهل آن را ذکر کرده و سپس فرمود: بی‌تردید، انواع عذابی که از ابتدای دهر تا انتهای آن بر سر سایر امت‌های سرکش، نازل شد، بر سر ساکنان آن نازل می‌شود و توفانی جز توفان شمشیر بر آنان نمی‌وزد. پس در آن هنگام وای بر کسی که در آن‌جا مسکن گزیند. سپس حضرت، حکایتی طولانی را ذکر کرده و فرمود: سپس لشکریان مهدی علیه السلام سفیانی را تا دمشق تعقیب می‌کنند و او را گرفته و بر روی صخره‌ای، ذبح می‌کنند. سپس حسین علیه السلام به همراه ۱۲ هزار دوست و ۷۲ تن از اصحابش ظهور می‌کند. و چه زیبا است در آن هنگام هجوم سفید و بازگشت درخشان تو. سپس صدیق اکبر امیرالمؤمنین علیه السلام خروج می‌کند و گنبد سفیدی برای او در نجف نصب می‌شود و ستونی از آن در نجف و ستونی در هجر و ستونی در صنعاء یمن و ستونی در ارض طیبّه بر پا می‌شود و گویی من می‌بینم که چراغ‌های آن گنبد بر آسمان و زمین می‌تابند و به این صورت رازها، آشکار می‌شود: «يَوْمَ تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا» [روزی که آن را ببینید هر شیردهنده‌ای آن را که شیر می‌دهد (از ترس) فرو می‌گذارد و هر آبستنی بار خود را فرو می‌نهد]. سپس سرور والا محمد صلی الله علیه و آله در میان انصار و مهاجرین و کسانی که به او ایمان آوردند و او را تصدیق نمودند، ظهور می‌کند و تکذیب‌کنندگان او و متخاصمان و مخالفین او در محضر او حضور می‌یابند. ♦

❖ ۷- حضرت صادق علیه السلام از پدران خود، از امام حسین علیه السلام روایت کرده که مردی نزد امیرالمؤمنین علیه السلام آمد و گفت: «یا امیرالمؤمنین! ما را از مهدی خودتان مطلع کنید.» فرمود: «چون قرن‌ها بر مردم بگذرد و مؤمنین اندک شوند و طرفداران حق از میان رفته باشند، در آن وقت او ظهور کند!» راوی گفت: «یا امیرالمؤمنین! مهدی از چه طایفه‌ای است؟» فرمود: «از بنی هاشم و قله شامخ نژاد عرب. هر کس به او نزدیک شود، او را دریای سرشاری می‌بیند و هنگامی که ظهور کند، نزدیکانش نسبت به او بی‌وفایی می‌کنند، و در آن موقع که آن‌ها آلوده شوند، او کان پاکی است.

کسی که هنگام هجوم مرگ به مردم، ترس به خود راه نمی‌دهد و در موقعی که مؤمنان اطرافش گرد آیند، به کسی ظلم نمی‌کند و به هنگام مبارزه شجاعان، از میدان بیرون نمی‌رود. مردی است آماده کارزار، مغلوب کننده دشمنان، پیروز و شجاع که مخالفین را با شمشیر درو می‌کند و بر پیکر آن‌ها زخم‌های گران وارد می‌سازد. مردی است نیرومند، شمشیری است از شمشیرهای خدا، بزرگی است بخشنده و با استقامت. فرق او به قله عظمت می‌ساید و بزرگواری همیشگی او، بر بهترین اصول استوار است. هیچ فتنه‌انگیزی تو را از پیروی او باز ندارد؛ فتنه‌جویانی که به هر طرف می‌روند و اگر سخنی بگویند، بدترین گوینده‌ها هستند و اگر ساکت شوند، قصد افساد دارند.» ❖



📢 جدیدترین مطالب رسمی رسانه یوسف فاطمه را در کانال‌های فعال ما



در سایت آرشیو

[https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe\\_IR](https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR)

در وبلاگ فارسی

<https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR>

در شبکه اجتماعی اینستاگرام

<https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe>

در پیام‌رسان تلگرام

[https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe\\_IR](https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR)

در خدمات فیلم آپارات

<https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe>

در شبکه پیام‌نما توئیتر

<https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe>

در ایمیل الکترونیکی یاهو

<https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM>



مشاهده، دنبال کنید. 📢